

فصلنامه سیاست دفاعی، سال دوازدهم

شماره ۴۸، پاییز ۱۳۸۳

نقش گروه افراطی لابی اسرائیل در سیاستهای خارجی آمریکا در خاورمیانه

استاد راهنما: دکتر ابراهیم متقی

دانشجو: محمدرضا باقری

اشاره:

تبیین، تحلیل عوامل مؤثر در تصمیم‌گیریهای سیاست خارجی آمریکا از یک سو و پیدایش اسرائیل و حمایت‌های بی‌دریغ آمریکا از این رژیم در قبال تحولات خاورمیانه، از سوی دیگر طی چندین دهه گذشته، ذهن هر نظریه‌پرداز و پژوهشگر روابط بین‌الملل و علوم سیاسی را به خود جلب می‌نماید.

با پیدایش دولت اشغالگر اسرائیل در تاریخ ۱۵ می ۱۹۴۸ و قریب به ۵۰ سال از تشکیل این رژیم غاصب، مسئله فلسطین از بغرنجترین و حادثترین مسائل خاورمیانه بوده و تاکنون نیز مناقشه اعراب و این رژیم پایان نیافته است.

دولت اشغالگر بقا و گسترش خویش را مدیون حمایت دولتهای قدرتمند از جمله آمریکا می‌داند و تکیه بر یک دولت بزرگ جزو دیپلماسی صهیونیسم است. این رژیم و همکاری با دول بزرگ، بر منافع سیاسی، استراتژیک و اقتصادی که از جانب او عاید آنان می‌شود تکیه می‌نماید. حمایت آمریکا از دولت غاصب در مجامع جهانی طوری بیان می‌شود که این حمایت جزء وظایف اصلی آمریکاست که باید حامی این رژیم باشد. به طوری که اگر زمانی آمریکا بخواهد دست از حمایت اسرائیل بردارد، آمریکا متضرر خواهد شد و برای همین منافع آمریکا با منافع رژیم اشغالگر قدس در خاورمیانه گره خورده است. و آمریکا باید تحت هر شرایطی از این رژیم حمایت نماید تا منافع هر دو کشور تأمین شود.

با توجه به منافع مشترک منطقه‌ای آمریکا و اسرائیل و همچنین با تأکید بر نقش یهودیان و ساختار اقتصادی آمریکا و نظام اجتماعی این کشور می‌توان به این

جمع‌بندی رسید که حمایت از اسرائیل در سیاست خارجی آمریکا عمدتاً متأثر از نفوذ گروه‌های یهودی و مجموعه‌های اسرائیل محصور در حوزه سیاست خارجی خود می‌باشد. این روند در مسائل و رویدادهای مربوط به خاورمیانه، خلیج فارس و ایران قابل بررسی جدی‌تری می‌باشد.

سازماندهی تحقیق

تحقیق حاضر از یک مقدمه و پنج فصل تشکیل شده است و هر فصل نیز از چند بخش تهیه گردیده و در هر فصل مباحث و محورهای موردنظر محقق مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در مقدمه طرح مسأله پژوهش، سؤال اصلی، سؤال فرعی بیان شده و پژوهش می‌خواهد به این سؤال پاسخ دهد که؛ گروه‌های اسرائیل محور با چه ابزار و مکانیزمی سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه را تحت تأثیر قرار می‌دهند؟ و این گروه‌ها در چه روند و پروسه‌ای سیاست خارجی آمریکا را متأثر می‌سازند؟

در ادامه نیز پیشینه موضوع پژوهش و بررسی آثاری چند در این مورد آورده شده است. سپس هدف از این پژوهش را جبران نارساییهای موجود در سوابق پژوهش در مورد موضوع تحقیق عنوان کرده است. از دیگر موارد مطرح شده در این مقدمه طولانی متغیرهای دخیل در تحقیق را سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه، اهداف منطقه‌ای اسرائیل، صلح خاورمیانه، شیوه‌های تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری و گروه افراطی لابی اسرائیل است.

فرضیه‌ای که محقق در جهت اثبات آن گام برمی‌دارد عبارت است از: سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه همواره متأثر از گروه‌های اسرائیل محور می‌باشد و این امر پیوستگی چندانی با احزاب حاکم در آمریکا ندارد و چند فرضیه فرعی دیگر که حول فرضیه اصلی است.

در **فصل اول** این پژوهش ابتدا کلیاتی در مورد خاورمیانه آورده شده که در آن به تاریخچه به وجود آمدن این اصطلاح پرداخته است. بخش اول این فصل به اهمیت خاورمیانه اختصاص یافته است و این منطقه را از لحاظ اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. بخش دوم نیز روند صلح خاورمیانه را از بدو تشکیل دولت غاصب اسرائیل تا حال حاضر را مورد مذاقه قرار می‌دهد و پیمانهای کمپ‌دیوید را بررسی می‌نماید و تغییر رویکرد اعراب از مبارزه مسلحانه به صلح با اسرائیل را بررسی کرده و مهمترین علل تغییر این رویکرد را ۱- حمایت آمریکا از اسرائیل؛ ۲- انقلاب

اسلامی ایران؛ ۳- جنگ عراق علیه کویت؛ ۴- پایان یافتن جنگ سرد، می‌داند. قسمت دوم این بخش روند صلح خاورمیانه از سال ۱۹۷۳ بررسی می‌نماید و موضع و استراتژیهای حزب کارگر و حزب لیکود که از احزاب قدرتمند در اسرائیل هستند و عمدتاً قدرت بین این دو حزب دست به دست می‌شود را بررسی می‌نماید و تغییرات روند صلح در نزد این دو حزب را نیز مورد توجه قرار می‌دهد.

فصل دوم این پایان‌نامه، ویژگیهای سیاست خارجی آمریکا را در دهه ۱۹۹۰ در خاورمیانه مرود بررسی قرار می‌دهد. با ورود به دهه ۱۹۹۰ حوادث در جهان رخ می‌دهد که باعث تغییر در نظام بین‌المللی می‌شود و با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به عمر نظام دوقطبی پایان داده شده و عصر جدید آغاز گشت. آمریکا از شرایط ایجاد شده سود جست و با اعلام نظم نوین جهانی در فوریه ۱۹۹۱ زمینه لازم را فراهم کرد تا بدون داشتن رقیب تعیین کند و تأثیرگذاری به تحکیم تثبیت سلطه خود را در جهان بپردازد و این فرصت بسیار مناسبی برای آمریکا به وجود آورد تا حمایت همه جانبه‌اش را از رژیم اشغالگر نشان دهد.

در بخش اول این فصل به حفظ امنیت اسرائیل پرداخته شده است و روشهای حمایتی از این رژیم را بررسی می‌نماید و از جمله این روشها؛ ۱- مخالفت با عقب‌نشینی اسرائیل از مناطق اشغالی؛ ۲- به رسمیت نشناختن حق تعیین سرنوشت ملت مظلوم فلسطین؛ ۳- به رسمیت نشناختن آرمانهای سازمان ملل در زمینه ضرورت پایداری و مقاومت در برابر هر نوع استیلای گسترش طلبانه.

نویسنده همچنین به دلایل حمایتی آمریکا در ابعاد استراتژیکی پرداخته است و اعم این دلایل را مورد بحث قرار می‌دهد. بخش دوم این فصل به همکاری آمریکا با دولتهای عربی پرداخته است و مهمترین موانع این همکاری را به شرح زیر برشمرده است؛ ۱- اختلاف بین کشورهای عربی، ۲- اختلاف بر سر موجودیت اسرائیل، ۳- سیاست یک بنام و دو هوا آمریکا در منطقه، و راه‌حلهای این اختلافات را نیز برشمرده است. بخش سوم این فصل به تضعیف ایران و عراق یا مهار دوجانبه می‌پردازد. و مهمترین راه‌های تضعیف را بررسی می‌نماید و هدف آمریکا از این سیاست را تغییر سیاست ایران نسبت به روند صلح در خاورمیانه می‌داند.

فصل سوم به بررسی گروههای تأثیر بر سیاست خارجی آمریکا اختصاص یافته است و بخش اول این فصل به افکار عمومی پرداخته است و می‌آورد؛ در اغلب

کشورهای جهان افکار عمومی یک قدرت است و اهمیت آن بستگی به رشد سیاسی مردم دارد. دولت و مسئولان اداره کشور حتی در نظام‌های سیاسی خودکامه و استبدادی ناچارند که به آن توجه داشته باشند. دولتها می‌توانند افکار عمومی را اغوا نمایند و همراه کنند و هر طور صلاح بدانند به آن جهت بدهند، آمریکا دخالت‌های نظامی خود را در تمام جهان با منافع ملی بودن آن توجیه می‌نماید و اکثر قریب به اتفاق مردم نیز متأسفانه با دخالت‌های آشکار و پنهان آمریکا موافق می‌باشند که در نتیجه اغوا افکار عمومی به دست آمده است. بخش دوم این فصل به نقش مطبوعات و رسانه می‌پردازد و در قسمت سوم نیز نقش احزاب سیاسی را بررسی کرده است.

نگارنده فصل چهارم را به بررسی ویژگی و کارکرد گروه‌های یهودی در سیاست خارجی آمریکا در منطقه خاورمیانه اختصاص داده است و در بخش اول سازمان‌های دخیل اسرائیلی را در جهت هدایت و سازماندهی سیاست خارجی آمریکا معرفی می‌کند که مهمترین آنها: ۱- کمیته امور عمومی رژیم اشغالگر قدس و آمریکا (ایپاک)، ۲- کمیته ملی فعالیت سیاسی به حمایت از این رژیم را بررسی کرده است.

بخش دوم این فصل ویژگیها و شاخصهای سازمانهای اسرائیل محور را بررسی کرده است که مهمترین فعالیت‌های این سازمانها را؛ ایدئولوژی مشترک با اسرائیل، تلاش در جهت تأمین منافع اسرائیل، نفوذ و احاطه بر ارکان تصمیم‌گیری در سیاست خارجی آمریکا ارزیابی می‌نماید.

بخش سوم کارکردهای سازمانهای اسرائیل محور در سیاست خارجی آمریکا را مورد توجه قرار می‌دهد و در بخش چهارم نیز طراحان اصلی سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه را معرفی می‌نماید.

فصل پنجم، تأثیر گروه‌های اسرائیل محور بر روند سیاست خارجی آمریکا در این فصل نویسنده تحقیق به بررسی اثرات عملکرد گروه‌های اسرائیل محور در سیاست خارجی در خاورمیانه می‌پردازد و به اثرگذاری این گروهها بر تحریم ایران، قطعنامه‌های شورای امنیت، کمک خارجی آمریکا به اسرائیل، انتقال تکنولوژی، قرارداد اسلو، قرارداد مصر - اردن و کنفرانس کازابلانکا پرداخته است.

در آخر نیز برای راهنمایی و آگاهی خوانندگان کتابنامه و منابع مورد استفاده در تألیف پایان‌نامه آورده شده است.